

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال ششم ♦ شماره ۲۴ ♦ زمستان ۱۳۹۵
صفحات: ۱۵۹-۱۶۷



سلسله گزارش‌هایی از آثار اهل سنت در نقد افکار و هابیت (۱۹)

گزارش کتاب «البدعة و آثارها الموبقة»

رضا پورعلی سرخه دیزج*

جایگاه کتاب

کتاب البدعة و آثارها الموبقة به قلم حضرت آیت الله العظمی سبحانی رحمته الله، از آثار فاخر در حوزه «بدعت» است. جامعیت موجود در این کتاب، توجه به زوایای مختلف بحث، قلم روان، قدرت علمی مؤلف، توجه به آثار نگاشته شده توسط پیروان دیگر مذاهب در این حوزه، خلاقیت و نوآوری در مباحث، نظریه پردازی و تولید علم، اختصارگویی و اجتناب از اطاله کلام، از ویژگی‌هایی است که جایگاه این کتاب را ممتاز می‌سازد. این اثر، که بر «اجتهاد آزاد با تکیه بر قرآن، سنت و سیره مسلمانان» استوار است، همه مسلمانان با هر مذهب و آیینی را مخاطب خود دانسته و به گفت‌وگوی آزاد، مستدل، به دور از تعصب مذهبی و خارج از سایه افکار امامان مذاهب، در موضوع بدعت پرداخته است. کتاب مذکور به لحاظ ساختاری، مشتمل بر یک مقدمه، ده فصل و یک خاتمه است. مصنف در فصل اول کتاب به بحث درباره ادله حرمت بدعت در کتاب و سنت پرداخته است. تبیین مفهوم بدعت در لغت و اصطلاح، بیان ارکان و مقومات آن، انحراف موجود در تفسیر بدعت و انگیزه‌های ایجاد آن، به ترتیب موضوعات فصل‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم این کتاب هستند. مصنف در فصل‌های ششم، هفتم و هشتم به تقسیمات بدعت اشاره می‌کند. عدم بدعت با وجود نص یا اطلاق، عنوان فصل نهم کتاب است. در فصل

* کارشناس ارشد کلام اسلامی (گرایش و هابیت شناسی) و دانش‌پژوه مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت علیهم السلام.

ایمیل: pooralimr@gmail.com

دهم، روش‌های اتخاذی اسلام در مقابل بدعت بیان شده و نهایتاً مصنف در خاتمه کتاب، روش‌های مبارزه با بدعت را معرفی کرده است. گزارش پیش‌رو به نسخه انتشار یافته توسط «نشر مشعر» تکیه دارد. این نسخه در سال ۱۴۱۶ ق-۱۳۷۵ ش، در تهران به چاپ رسیده و مشتمل بر ۱۳۵ صفحه است.

آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی رحمته‌الله

حضرت آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی رحمته‌الله در بیست فروردین ۱۳۰۸ ش، در شهر تبریز به دنیا آمد. وی که اکنون از جایگاه اجتهاد و مرجعیت برخوردار است، در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی دارای تخصص است و آثار متعدد و بی‌بدیلی از ایشان در حوزه فقه، اصول، کلام، فلسفه، تفسیر، تاریخ، رجال، تراجم و... برجای مانده است. او که خود خوشه‌چین محضر بزرگانی همچون مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله، امام خمینی رحمته‌الله بود، هم‌اکنون در جایگاه استادی، به تعلیم طلاب در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی مشغول است.

مروری بر کتاب

در ادامه، به مرور فصل‌های مختلف این کتاب می‌پردازیم و محتوای هر فصل را به صورت کلی بیان می‌کنیم:

تقدیم (صفحه ۶)

مصنف، بدعت در دین را گناه کبیره دانسته است و آن را با جایگاه الهی در حوزه تشریع و تقنین، مخالف می‌داند. به اعتقاد او، بدعت عامل تفرقه و مخالف با اعتصام جمیع مسلمانان به حبل‌الله^۱ است. او بدعت را افترا بر خداوند سبحان و رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دانسته و بر این باور است که قرآن کریم، فرد بدعت‌گذار را به دلیل مخالفت با احکام قطعی و حق مسلم، کافر و ظالم و فاسق معرفی کرده است.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳: «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا».

مصنف، غالب آثار نگاشته شده در حوزه بدعت را به دور از «اجتهاد آزاد با تکیه بر قرآن، سنت و سیره مسلمانان» دانسته و سایه تفکر امام مذهب هر مؤلف را در اثر وی مشهود انگاشته است.

فصل اول: نصوص بدعت در کتاب و سنت (صفحه ۱۳)

مصنف در این فصل، حرمت بدعت را با استناد به چهار آیه از قرآن کریم و سی روایت از نبی اکرم ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام اثبات کرده است.

فصل دوم: بدعت در لغت و اصطلاح (صفحه ۲۳)

مؤلف با اشاره به برخی عبارت‌های اهل لغت، جمع میان تعاریف لغوی بدعت را این گونه ترسیم می‌نماید که معنای لغوی بدعت شامل هر چیز جدید و بدون مماثل در دین، عادات و صناعات است؛ اما بدعتی که نصوص بر حرمت آن دلالت دارند، امری است که پس از رسول گرامی اسلام ﷺ در دین حادث شده است.

وی تعاریف اصطلاحی بدعت را بر دو نوع دانسته است: ۱. تعاریفی که بدعت را تک‌قسمی دانسته‌اند و آن را در این حد تبیین کرده‌اند که بدعت، دخالت کردن در امر تقنین و تشریع است؛ ۲. تعاریفی که بدعت را به دو قسم محموده و مذمومه تقسیم کرده‌اند.

مصنف، تعریف ارائه شده توسط دو عالم بزرگوار محقق آشتیانی و سیدمحسن امین را نزدیک به صواب دانسته است. وی با تکیه بر این دو تعریف، زیربنای مفهوم بدعت را تصرف اعتقادی یا تشریعی در دین به وسیله ادخال امری که دینی بودنش قطعی نیست، معرفی کرده است. او، تنها اشکال وارد بر تعریف دو عالم بزرگوار را عدم شمول این تعریف بر بدعت به صورت نقص و حذف چیزی از فرایض دانسته است.

فصل سوم: تبیین مفهوم بدعت و بیان مقومات آن (صفحه ۳۳)

مصنف، تصرف در حکم یا اعتقاد به نحو زیاده یا نقصان، اشاعه آن تصرف، دعوت به آن و همچنین نبود دلیل شرعی خاص یا عام برای آن را، از مقومات و ارکان بدعت مطرح در قرآن و سنت دانسته است.

وی بر این باور است که اگر بدعت به طور مطلق (اعم از دینی و غیردینی) موضوع حکم قرآن و سنت قرار گیرد، حکم به حرمت آن به دلیل گستردگی موضوع، امکان پذیر

نخواهد بود. از این رو، طرفداران این نظریه، بدعت را به مقتضای انقسام پنج‌گانه احکام، پنج قسم دانسته‌اند؛ اما اگر بدعت در دین موضوع حکم باشد، بیشتر از یک حکم وجود نخواهد داشت.

به اعتقاد او، از آنجایی که قرآن و سنت برای هدایت بشر نازل شده‌اند و در حوزه تشریع و تقنین سخن می‌گویند، بدعت مطرح در آن دو نیز، بدعت در دین است؛ نه بدعت به معنای مطلق، و این مطلب را می‌توان از مجموع خطابات قرآن و سنت در حوزه بدعت استنباط کرد. بنابراین بدعت یک حکم بیشتر ندارد و این حکم قابل تخصیص و تقیید نیست.

فصل چهارم: بدعت‌گذاری در تفسیر بدعت (صفحه ۴۶)

مصنف بر این باور است که تلقی «وجود داشتن در سه قرن نخست اسلام» به عنوان ضابطه و معیار تمییز سنت از بدعت، بدعتی در مفهوم بدعت است. وی استناد به روایت «خیر القرون»^۱ را در این زمینه از دو جهت مردود دانسته است:

۱. «قرن» در لغت به معنای نسل است و در قرآن نیز به همین معنا آمده است. از آنجا که متوسط حیات بشری، شصت یا هفتاد سال است، خیر القرون تا سال ۱۸۰ و ۲۱۰ ق خواهد بود؛ نه سال ۳۰۰ ق!

۳. هیچ وجهی برای خیر القرون دانستن سه نسل اول متصور نیست؛ نه اتحاد در عقیده، نه وجود صلح و آرامش، و نه تمسک به دین در احکام و فروع.

فصل پنجم: بدعت و انگیزه‌های ایجاد آن (صفحه ۶۰)

مصنف در این فصل به پنج عامل از عوامل و انگیزه‌های بدعت‌گذاری در طول تاریخ اشاره دارد:

۱. **مبالغه در تعبد برای خداوند سبحان:** به اعتقاد مصنف، این عامل فراگیر نبوده و در برخی از مصادیق بدعت مشهود است. وی بر این باور است که برخی افراد، طریق اختراعی خود را نزدیک به صواب دانسته و دستیابی به قرب الهی را از این طریق مهیاتر یافته‌اند؛ از این رو دچار بدعت‌گذاری در دین شده‌اند. وی در این زمینه به شواهدی اشاره

۱. «خیر اُمّتی قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم». (بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ص ۸۹۷، ح ۳۶۵۰).

می‌کند که روایت جابر بن عبدالله یکی از آنهاست:

إن رسول الله ﷺ كان في سفر فرأى رجلا عليه زحام قد ضلل عليه فقال ﷺ: «ما هذا؟» قالوا: «صائم». قال ﷺ: «ليس من البر الصيام في السفر»؛^۱

رسول خدا ﷺ مردی را در سفری دیدند که جمعیتی در اطراف او حلقه زده و بر او سایه انداخته‌اند. پس رسول خدا ﷺ فرمودند: «این چیست؟» گفتند: «روزه‌دار است». رسول خدا ﷺ فرمودند: «روزه‌گرفتن در سفر از اعمال نیک نیست».

۲. تبعیت از هوای نفس: به اعتقاد مصنف، بدعت‌گذار ادعای نبوت ندارد؛ اما عمل او نوعی ادعای نبوت و آوردن دین جدید است. وی در ادامه به روایاتی از حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کند که به صراحت، تبعیت از هوای نفس را عامل بدعت‌گذاری دانسته است:

فقد خطب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام الناس فقال: «أيها الناس، إنما بدء وقوع الفتن أهواء تتبع وأحكام تبتدع، يخالف فيها كتاب الله يتولى فيها رجال رجلا على غير دين الله...»؛^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام به مردم خطاب کردند و فرمودند: «ای مردم، همانا ابتدای ظهور فتنه‌ها هواهایی است که پیروی می‌شوند و احکامی است که بدعت گذاشته می‌شوند. در این فتنه‌ها با کتاب خدا مخالفت می‌شود و مردانی مردان دیگر را بر غیر دین خدا یاری می‌نمایند».

۳. علاقه به کسب آگاهی: مصنف این علاقه را از نعمت‌های الهی دانسته است؛ اما یادآور می‌شود که ناتوانی در درک برخی علوم، یا خطا در نحوه تعلیم و تعلم آنها سبب ایجاد بدعت‌هایی در دین شده است. وی وجود تفاسیر مختلف درباره صفات خبری را ناشی از همین عامل دانسته است.

۴. تعصب کور: به اعتقاد مصنف، تعصب قومی و نژادی و تقلید کورکورانه از آباء و اجداد، از عوامل بدعت‌گذاری در طول تاریخ بوده است. وی درخواست مشرکان از نبی

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، ج ۲۲، ص ۳۱۷، ح ۱۴۴۱۶.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۵، ح ۱، باب «البدعة».

اکرم علیه السلام مبنی بر بقای بت‌ها برای مدتی را ناشی از همین تعصب دانسته است.

۵. اطاعت از غیر معصوم: مصنف یادآور می‌شود که اطاعت از غیر معصوم می‌تواند موجب افترا بر خداوند سبحان و تصرف در دین شود؛ چراکه خطا و کذب در وی محتمل است. به اعتقاد او، تقسیم سنت به «سنت نبی اکرم علیه السلام» و «سنت صحابه»، مبنای شرعی ندارد و تنها سنت شرعی، سنت نبی اکرم علیه السلام است. با این توضیح که پیامبر اسلام علیه السلام، خاتم انبیا است و دین ایشان، آخرین دین الهی؛ از این رو، سنتی مستقل از سنت ایشان متصور نیست و اگر منظور از سنت صحابه، سنت مستند به سنت نبی اکرم علیه السلام است، تسمیه آن به سنت صحابه بی‌معناست. وی اطاعت از اهل بیت گرامی پیامبر اسلام علیه السلام را اطاعت از غیر معصوم ندانسته است؛ چراکه ادله نقلی بر عصمت آنها دلالت می‌کند و نیز آنان دارای مقام محدث بوده‌اند؛ آن‌چنان که حضرت مریم علیها السلام به این جایگاه نایل شده بودند.

فصل ششم: تقسیم بدعت به حسنه و سیئه (صفحه ۷۱)

به اعتقاد مصنف تقسیم بدعت به حسنه و سیئه، ریشه در کلام خلیفه دوم، عمر بن خطاب، دارد. او بود که با بدعت «حسنة دانستن نماز تراویح به جماعت»، نخستین بار بدعت را به حسنه و سیئه تقسیم کرد. وی با اشاره به این مطلب که عمل خلیفه دوم یا ریشه در دین دارد که در این صورت بدعت نخواهد بود، یا ریشه در دین ندارد که در این صورت قطعاً بدعت سیئه و حرام است، یادآور می‌شود که تقسیم بدعت به بدعت حسنه و سیئه، ناشی از خلط میان بدعت لغوی و اصطلاحی است. آنچه قابل تقسیم به سیئه و حسنه است، بدعت لغوی است؛ نه بدعت اصطلاحی.

فصل هفتم: تقسیم بدعت به عادی و شرعی (صفحه ۷۹)

به اعتقاد مؤلف، تقسیم بدعت لغوی به عادی و شرعی امکان‌پذیر است؛ اما بدعت اصطلاحی چنین قابلیت ندارد؛ چراکه از ارکان بدعت اصطلاحی، تصرف در دین است و روشن است که در امور عادی همانند ابداع بازی یا ورزشی جدید، چنین تصرفی وجود ندارد.

فصل هشتم: تقسیم بدعت به حقیقی و اضافی (صفحه ۹۵)

مصنف با استناد به کلام شاطبی، بدعت حقیقی را بدعتی دانسته است که نه به صورت عام و نه به صورت خاص، پشتوانه دینی نداشته باشد؛ اما بدعت اضافی، بدعتی است که از یک جهت مستند به دلیل شرعی و سنت است و از جهت دیگر فاقد دلیل شرعی است. به اعتقاد مصنف، تقسیم بدعت به حقیقی و اضافی، بی فایده و خالی از ثمره است؛ چراکه:

اولاً: زمانی که عملی دلیل شرعی داشته باشد، اطلاق آن دلیل، مجوز تمام حالت و کیفیات آن عمل است؛ به عنوان مثال دلیلی که بر جواز قرائت قرآن یا استحباب آن دلالت می کند، تمام حالت های آن را، اعم از اینکه در شب خاصی قرائت شود یا در تمام شب ها، جایز یا مستحب می داند.

ثانیاً: اصرار بر شکل یا مصداق خاصی از یک عمل شرعی، ریشه در تخصیص شرع ندارد؛ چراکه می تواند به دلیل تطبیق شرایط مکلف با آن شکل یا مصداق خاص باشد؛ نه از باب تخصیص شرع.

حاصل اینکه امور دینی، یا بدعت حقیقی اند یا سنت حقیقی؛ و بدعت اضافی حقیقتاً بی معناست. به عبارت دیگر، در صورت اطلاق دلیل و نیز عدم قصد تخصیص شرع توسط مکلف، عمل در تمام حالات و کیفیات، سنت است و در صورت عدم اطلاق دلیل یا قصد تخصیص توسط مکلف، عمل حقیقتاً بدعت است.

فصل نهم: عدم بدعت با وجود نص یا اطلاق دلیل (صفحه ۱۰۳)

به اعتقاد مؤلف، هر عملی که دلیلی شرعی بر آن دلالت داشته باشد، بدعت نیست؛ چه آن دلیل، خاص باشد و بر مشروعیت مصداق خاصی دلالت داشته باشد و چه اینکه آن دلیل، عام باشد و مصادیق مختلفی را شامل شود. به عنوان مثال آیه «إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصتوا لعلکم ترحمون»^۱ دلیل عامی است که هم رعایت سکوت و استماع قرآن به صورت مباشر را توصیه می کند و هم استماع آن را با روشی که در عصر رسالت وجود

۱. سوره اعراف، آیه ۲۰۴.

نداشته و در اثر پیشرفت بشری ایجاد شده است، مورد سفارش قرار می‌دهد؛ مانند استماع از رادیو و تلویزیون.

فصل دهم: روش‌های کلی حفظ دین از بدعت (صفحه ۱۰۹)

شیوه‌ها و روش‌های دین مبین اسلام برای حفظ دین از بدعت، موضوع بحث مصنف در این فصل است. وی به شش روش در این زمینه اشاره می‌کند: ۱. هشدار درباره بدعت و بدعت‌گذاران؛ ۲. هشدار درباره دروغ بستن به نبی اکرم ﷺ؛ ۳. درخواست کتابت نامه توسط نبی اکرم ﷺ در لحظات آخر عمر شریفشان که با مخالفت خلیفه دوم روبه‌رو شد؛ ۴. معرفی کشتی نجات (تشبیه اهل بیت علیهم السلام به کشتی نجات توسط نبی اکرم ﷺ)؛ ۵. حمایت از امران به معروف و ناهیان از منکر.

خاتمه: روش مبارزه با بدعت‌ها و فائق آمدن بر آنها (صفحه ۱۲۵)

مصنف، فائق آمدن بر بدعت‌ها را با تکیه بر دو امر مقدور دانسته است: ۱. بررسی عقاید اسلامی در فروغ قرآن، سنت معتبر، فطرت انسانی و عقل سلیم؛ ۲. بازنگری دقیق سندی و محتوایی عقاید اسلامی با تکیه بر قرآن و سنت قطعی رسول گرامی اسلام ﷺ.

نتیجه

کتاب البدعة و آثارها الموبقة توانسته است بحث جامعی در حوزه بدعت ارائه دهد و این موضوع را در ابعاد گوناگونی بررسی نماید. بیان مفهوم بدعت و مقومات آن، محور اصلی بحث در این کتاب است. مصنف با تبیین دقیق مفهوم بدعت و همچنین تشخیص دقیق مقومات و ارکان آن توانسته است به بسیاری از پرسش‌های مطرح در حوزه بدعت پاسخ دهد و ضابطه ژرفی برای تمییز بدعت از غیر آن ارائه کند. همچنین تبیین دقیق مفهوم لغوی و اصطلاحی بدعت و تمییز میان آن دو توسط مصنف، بسیاری از ابهامات موجود در حوزه بدعت را برطرف ساخته است. در یک کلام، شاید نتوان این کتاب را بهترین کتاب نگاشته‌شده در حوزه بدعت دانست؛ اما یقیناً یکی از بهترین کتاب‌های تألیف‌شده در این حوزه است.

کتابنامه

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند أحمد بن حنبل**، تحقیق: شعيب الأرنؤوط و دیگران، بی‌جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، دمشق-بیروت: دار ابن کثیر، چاپ اول، ۲۰۰۲م.
۳. سبحانی، جعفر، **البدعة و آثارها الموبقة**، تهران: نشر مشعر، ۱۳۷۵ش.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.